

اربعین و اختصاص آن به امام حسین علیه السلام

حسین تر کاشوند*

چکیده

حضور اهل بیت امام حسین علیه السلام در چهلمین روز شهادت آن حضرت، در کربلا محل اختلاف است؛ اما در عین حال زیارت آن حضرت در اربعین مورد سفارش و تأکید بوده و شیعیان، در طول تاریخ، به آن اهتمام فراوان داشته‌اند. البته در مورد اینکه برگزاری مراسم اربعین تنها مختص سیدالشهدا علیه السلام است یا اینکه می‌توان برای سایر اهل بیت علیهم السلام یا افراد دیگر نیز چنین مراسمی را برگزار کرد نیز اختلاف نظر وجود دارد که به نظر می‌رسد برگزاری آن به عنوان مستحب شرعی، تنها به امام حسین علیه السلام اختصاص دارد و برای دیگران نیز امری جایز و مباح است. وجوهی را برای اختصاص این مراسم به امام حسین علیه السلام می‌توان برشمرد؛ از قبیل وجود قول، فعل و تقریر امام معصوم در مورد این زیارت، تکریم ویژه از امام حسین علیه السلام و پاسداشت فداکاری‌ها و اقدامات بی‌نظیر او در حفظ اسلام راستین و معنویت در جامعه، زنده نگه داشتن روحیه ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی در افراد و حفظ برجستگی نهضت عاشورا و عادی نشدن آن در کنار سایر عزاداری‌ها. واژگان کلیدی: امام حسین علیه السلام، اربعین، اختصاص، زیارت.

*. دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه و استاد سطح عالی حوزه علمیه قم و مدیر گروه کلام و معارف پژوهشکده حج و زیارت.

مقدمه

اربعین در لغت به معنای چهلم است و در اصطلاح، به بیستم صفر سال ۶۱ هجری قمری، چهلمین روز شهادت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام گفته می‌شود. یکی از مسائل اختلافی در تاریخ عاشورا، تعیین زمان حضور اهل بیت امام حسین علیه السلام در کربلا، بعد از شهادت ایشان است. برخی اندیشمندان معتقدند (یا دست کم از ظاهر کلامشان چنین استفاده می‌شود) که اهل بیت امام حسین علیه السلام در اربعین اول در کربلا حاضر شده‌اند. (بیرونی خوارزمی، ۱۳۹۰ش، ص ۲۳۱؛ بهایی عاملی، ۱۴۰۶ق، ص ۷۶؛ قاضی طباطبایی، ۱۳۶۸ش، کل کتاب، اشراقی، میرزا محمد، الاربعین الحسینیه، ص ۲۰۵). در مقابل، برخی دیگر از اندیشمندان رسیدن اهل بیت را در روز بیستم صفر سال ۶۱ به کربلا نفی کرده و نپذیرفته‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۸، ص ۳۳۴؛ قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، ج ۲، ص ۱۰۱۴).

اربعین امام حسین علیه السلام در میان شیعیان و در تقویم تاریخی وفاداران به آن حضرت شناخته شده است. شیخ طوسی در کتاب مصباح المتهجد که در واقع تقویمی است برگرفته از روایات درباره ایام شادی، سوگواری، عبادت و ...، در ذیل مطالب مربوط ماه صفر می‌نویسد:

روز بیستم صفر، یعنی اربعین، روزی است که حرم امام حسین علیه السلام، یعنی کاروان اسرا، از شام به سوی مدینه مراجعت کردند و نیز روزی است که جابر بن عبدالله انصاری، صحابی بزرگ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از مدینه به کربلا رسید تا به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود و او، نخستین کسی است که قبر آن حضرت را زیارت کرد. در این روز زیارت امام حسین علیه السلام مستحب است و این زیارت، همانا خواندن زیارت اربعین است (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۷۸۷).

تا قبل از اربعین سیدالشهدا علیه السلام، نه در تاریخ سابقه‌ای از رسمی به نام «اربعین» وجود دارد و نه در ادیان، نشانه‌ای از چنین روزی دیده می‌شود. بنابراین «اربعین»، با اربعین سیدالشهدا علیه السلام شروع می‌شود. اما پرسش اصلی در نوشتار حاضر این است که آیا برگزاری مراسم اربعین

تنها به امام حسین علیه السلام اختصاص دارد یا اینکه می توان برای دیگر ائمه و حتی دیگر اموات نیز چنین مراسمی را برگزار کرد؟ در این باره دو دیدگاه وجود دارد:

دیدگاه نخست: اربعین امام حسین علیه السلام یکی از شعائر مختص به شیعه است که در هیچ مکتب و ملتی نظیر ندارد و مهم تر آنکه این سنت تنها به حضرت اباعبدالله علیه السلام اختصاص دارد؛ به طوری که حتی برای هیچ یک از معصومین دیگر نیز اربعین وجود ندارد. بنابراین در فرهنگ اصیل شیعه اربعین فقط به امام حسین علیه السلام، و سالگرد فقط به معصومین: اختصاص دارد و ما در هیچ اثری، چه تاریخی و چه روایی، سراغ نداریم که ائمه به تشکیل مجالس سنوی برای اصحاب خود دستور داده باشند؛ بلکه تنها بر تشکیل مجالس تذکر و احیای ذکر اهل بیت علیهم السلام تأکید شده است (حسینی طهرانی، ۱۴۲۶ق، ص ۸۴)؛ به عبارت دیگر اقامه مجالس اربعین برای مردگان با علامت و نشانه و امتیاز بودن اربعین امام حسین علیه السلام منافات دارد.

اگر اقامه اربعین برای دیگران رجحان و فضیلتی می داشت، حتماً ائمه علیهم السلام بیان می کردند یا دست کم برای رسول خدا و دیگر ائمه، چنین مجلسی برگزار می کردند. اما نه در قول معصومین علیهم السلام، در این باره اثری به چشم می خورد و نه در فعل آنان، و همین مسئله نشان می دهد که اقامه اربعین قطعاً برای غیر سیدالشهدا علیهم السلام مورد رضایت آنان نبوده است. سنت و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سایر ائمه علیهم السلام در انعقاد مجالس ترحیم برای اموات، برپا کردن مجالس عزاداری به مدت سه روز بوده است و اساساً در اسلام مسئله ای به نام برگزاری مجالس ترحیم «هفتم» و «چهلیم» و «سالگرد» برای اموات نداریم؛ چراکه اگر چهلم گرفتن برای مردگان سنت می بود، دیگر چگونه می توانستیم آن را شعار و علامت و امتیاز سید الشهداء علیهم السلام بدانیم؟

بنابراین اقامه اربعین قطعاً برای غیر سید الشهداء علیهم السلام مورد رضایت اهل بیت: نبوده است؛ زیرا با اینکه به احیای ذکر ائمه علیهم السلام و تشکیل مجالس برای آنان امر کرده اند، درباره اربعین هیچ سخن نگفته اند (همانجا).

دیدگاه دوم: هدف از برگزاری مجلس عزا در سوم، هفتم و چهلم درگذشت هر مسلمان، تجلیل از کسانی است که روزی در میان ما بوده و اکنون به سرای باقی شتافته‌اند. اقامه مجالس عزا و مراسم برای اموات، خود موجب گسترش مواعظ دینی و تشکیل حلقه‌هایی می‌شود که آموزش مسائل دینی در آن صورت می‌گیرد و فرصتی مناسب برای بیان معارف الهی و توحیدی است. قضایای تاریخ اسلام گوشزد می‌شود؛ پرهیز از گناه و رعایت تقوا سفارش می‌شود؛ کتاب‌هایی در این باب نشر می‌یابد و فرهنگ دینی و عمومی مردم را اعتلا می‌بخشد. لذا این مجالس برگزار می‌شود تا ضمن ابراز همدردی با صاحب عزا و تسلیت گفتن به آنان، با قرائت قرآن، بیان مصائب اهل بیت علیهم‌السلام و معارف و مسائل دینی از سوی سخنرانان و مداحان، هم ثوابی به روح مردگان نثار شود و هم عبرتی برای دیگران باشد که فراموش نکنند آنان نیز چنین سرنوشتی خواهند داشت. از کلام برخی بزرگان این گونه برمی‌آید که برگزاری مراسم اربعین به امام حسین علیه‌السلام اختصاص ندارد؛ بلکه گرامیداشت یاد متوفا پس از مرگ او در همه ملل و ادیان رسمیت دارد و بعضی با گذشت یک ماه و بسیاری نیز پس از چهل روز، متوفای خود را تجلیل می‌کنند. مسلمانان، به ویژه شیعیان، پس از شهادت امامان معصوم علیهم‌السلام در نخستین اربعین آنان مراسم گرامیداشت برگزار می‌کرده‌اند. ولی اربعین حسینی، این ویژگی را دارد که هر ساله تا قیامت ادامه خواهد داشت. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۵، ص ۲۳۱).

ما در این مقال به دنبال بررسی تفصیلی این مسئله نیستیم. ولی شاید بتوان وجه جمعی این گونه داشت که برگزاری اربعین برای امام حسین علیه‌السلام دلیل شرعی دارد و مورد سفارش است؛ اما در مورد غیر ایشان سفارش و تأکید نشده، بلکه برای تکریم و بزرگداشت مقام ائمه علیهم‌السلام و اولیای الهی یا برای تکریم و طلب مغفرت برای دیگر اموات، امری جایز و پسندیده است و دلیلی بر حرمت و عدم جواز آن نیست. لذا بسیاری از مراجع معظم تقلید برگزاری مراسم هفتم، چهلم و سال اموات را که داخل عنوان احسان، خیرات و مبرات برای اموات است، جایز

می‌دانند. (ر.ک: سایت دفتر آیت الله بهجت). بنابراین مراسم اربعین به عنوان سنت شرعی تنها به سیدالشهدا علیه السلام اختصاص دارد.

وجه اختصاص اربعین به امام حسین علیه السلام

پس از اینکه روشن شد برگزاری مراسم اربعین و زیارت در این روز به عنوان یک عمل مستحب شرعی به امام حسین علیه السلام اختصاص دارد، این سوال در ذهن متبادر می‌شود که وجه این اختصاص چیست؟ برای پاسخ به این پرسش وجوه و حکمت‌هایی را می‌توان برشمرد:

۱. «قول»، «فعل» یا «تقریر» معصوم

در شریعت اسلام برای این که عملی مستحب شرعی باشد وجود «قول»، «فعل» و «تقریر» معصوم درباره آن فعل لازم است. در مورد زیارت اربعین امام حسین علیه السلام هر سه مورد وجود دارد. «قول» معصوم: امام صادق علیه السلام به صفوان جمال سفارش کرد که در اربعین، امام حسین علیه السلام را با خواندن زیارتنامه ای خاص زیارت کند:

قَالَ لِي مَوْلَايَ الصَّادِقُ علیه السلام فِي زِيَارَةِ الْأَرْبَعِينَ - تَزُورُ أَرْفَاعَ النَّهَارِ وَتَقُولُ السَّلَامَ عَلَيَّ وَبِئِ
اللَّهِ وَحَبِيبِهِ وَذَكَرَ الزِّيَارَةَ إِلَيَّ أَنْ قَالَ وَتُصَلِّي رُكْعَتَيْنِ وَتَدْعُو بِنَا أَحَبِّتْ وَتَنْصَرِفُ.

مولای من امام صادق علیه السلام درباره زیارت اربعین به من فرمودند: در روز اربعین هنگامی که روز بلند شد زیارت می‌کنی و می‌گویی: سلام بر ولی خدا و حبیب او، سپس حضرت ادامه زیارت را بیان فرمود تا آنجا که فرمودند: و دو رکعت نماز بگذار و دعا کن هر گونه که دوست داری و برگردد. (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۱۱۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۴، ص ۴۷۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۸، ص ۳۳۱)

همچنین در روایتی دیگر امام حسن عسکری علیه السلام، زیارت اربعین را یکی از نشانه‌های انسان

مؤمن معرفی می‌کنند:

«علامات المؤمن خمس، صلاة الخمسين، و زیارت الاربعین، والتختّم فی الیمین، و تعفیر العجبین، و الجهر بسم الله الرحمن الرحیم» نشانه‌های مؤمن پنج چیز است، اول: نماز پنجاه و یک رکعت (واجب و نافله در طول شبانه روز). دوّم: زیارت اربعین (حضرت سیّد الشهداء علیه السلام). سوّم: انگشتر در دست راست نمودن. چهارم: پیشانی بر خاک گذاردن. پنجم: بلند گفتن بسم الله الرَّحْمَن الرَّحِیْم (در نمازهای صبح، مغرب و عشاء). (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۴، ص ۴۷۸)

این روایت مرسل است؛ ولی بنا بر تسامح در ادله سنن و احادیث «مَنْ بَلَغَ» در بحث مستحبات، مرسل بودن خبر، مشکلی ایجاد نمی‌کند.

علمای بزرگ شیعه با استناد به همین روایات به استحباب زیارت اربعین فتوا داده‌اند. شیخ مفید در کتاب مزار، عنوان «فضل زیارت الاربعین» دارد؛ (مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۵۱). شیخ طوسی نیز در مصباح المتعجد گفته: «و یستحب زیارته فیه و هی زیارة الاربعین» (طوسی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۷۸۸). سپس به همین دو روایت تمسک کرده است. سید ابن طاووس نیز در اقبال الاعمال فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در روز بیستم ماه صفر را بیان کرده و به همان حدیث معروف امام حسن عسکری علیه السلام تمسک کرده است (سید ابن طاووس، ۱۳۷۶ ش، ج ۳، ص ۱۰۰). علامه حلی نیز در منتهی المطلب، (حلی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۳، ص ۲۹۵)، شهید اول در کتاب مزار (شهید اول، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۸۵)، و کفعمی در دو کتاب البلد الامین (کفعمی، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۷۴) و المصباح (همو، ۱۴۰۵ ق، ص ۴۸۲)، همین مطلب را آورده‌اند.

«فعل» معصوم: بسیاری از صاحب نظران شیعه و اهل سنت معتقدند که امام زین العابدین علیه السلام همراه با اسرای کربلا، در مسیر بازگشت به مدینه، در روز بیستم صفر سال ۶۱ قمری برای زیارت قبور شهدای کربلا و ملحق کردن سر مطهر شهدا به پیکر آنان به کربلا آمده‌اند (بیرونی، ۱۳۹۰ ش، ج ۲، ص ۲۲؛ طوسی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۷۸۸؛ خواندمیر، ۱۳۸۰ ق، ج ۲، ص ۶۰؛ سید ابن طاووس، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۲۵؛ ابن نما حلی، ۱۳۶۹ ق، ص ۱۵۷؛ مستوفی هروی، ۱۳۷۲ ش،

ص ۹۱۶؛ بهائی عاملی، ۱۴۰۶ق، ص ۶). بنابراین امام معصوم که فعلش حجت است، چنین عملی را انجام داده است.

«تقریر» معصوم: بنا بر نقل معتبر، جابر بن عبدالله انصاری، که یکی از اصحاب پیامبر ﷺ بوده است، پس از شهادت امام حسین علیه السلام خود را از مدینه به کوفه رساند و همراه با عطیه عوفی (کوفی) در روز اربعین به زیارت قبر سیدالشهدا علیه السلام رفتند (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۴۶) و نام او به عنوان اولین زائر امام حسین علیه السلام در تاریخ ثبت شد (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۷۸۸). زیارت جابر مورد امضا و تقریر امام زین العابدین علیه السلام قرار گرفت؛ یعنی امام علیه السلام این عمل را تأیید کرد. بنابراین در مورد استحباب زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین، هم قول، هم فعل و هم تقریر معصوم وجود دارد و با توجه به اینکه چنین دلیلی تنها درباره زیارت اربعین امام حسین علیه السلام وجود دارد، زیارت کردن و برگزاری مراسم اربعین به عنوان عمل شرعی مستحب، تنها به ایشان اختصاص پیدا کرده است. البته باید به این نکته توجه داشت که فعل و تقریر معصوم زمانی دلالت بر این مطلب دارد که ورود اهل بیت علیهم السلام در اربعین اول به کربلا ثابت شود، ولی قول معصوم در هر صورتی بر این مطلب دلالت دارد.

۲. تکریم ویژه امام حسین علیه السلام

مصیبت امام حسین علیه السلام از همه مصیبت‌ها بزرگ‌تر و سخت‌تر بود؛ چنان‌که حتی برای هیچ امام و پیامبری نیز چنین مصائبی پیش نیامد. اگر عامل دیگری هم در کار نمی‌بود، همین مطلب کافی بود تا نشان دهد چرا برای امام حسین علیه السلام بیش از امامان دیگر و حتی بیش از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم عزاداری می‌شود و مراسم متعددی برپا می‌گردد. همچنین فداکاری‌های امام حسین علیه السلام و خون پاک آن حضرت، اسلام ناب را بیمه کرد. از این رو ایشان بزرگ‌ترین احیاگر اسلام حقیقی است. نقش او در زنده نگه داشتن دین اسلام، کاملاً ویژه و منحصر به فرد است. لذا تکریم ویژه سیدالشهدا علیه السلام برای پاسداشت فداکاری‌ها و اقدامات بی‌نظیر

آن حضرت در حفظ اسلام راستین و معنویت در جامعه است. از همین رو اربعین شهادت آن بزرگوار نیز بیش از سایر معصومین علیهم السلام مورد توجه قرار می‌گیرد و این مراسم، مختص امام حسین علیه السلام شده است.

۳. زنده نگه داشتن شعار مبارزه با ظلم

در زمان حادثه عاشورا تعدادی از صحابه زنده بودند و نزد مردم قداست و احترام فوق‌العاده‌ای داشتند. اما بعد از حادثه عاشورا، چنان اختناقی پیش آمد که کسی نمی‌توانست از امام حسین علیه السلام به نیکی یاد کند و صحابه نیز عکس‌العملی نشان ندادند. در چنین فضایی، جابر ابن عبدالله انصاری، که از اصحاب بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله بود، از جایگاه و اعتبار خود هزینه کرد و برای دهن کجی به یزید و ابراز پیوند محبت و وفاداری به اهل بیت: از مدینه به کربلا رفت و در روز اربعین شهادت امام حسین علیه السلام، ایشان را زیارت کرد.

از آنجا که یکی از اهداف قیام سیدالشهدا علیه السلام مبارزه با ظلم و تباهی بنی‌امیه بوده است، پاسداشت قیام ایشان و بزرگداشت حرکت شجاعانه و بی‌نظیر آن حضرت در هر سال و به مناسبت‌های مختلف، می‌تواند روحیه ظلم‌ستیزی را در افراد زنده نگه دارد. بنابراین یادآوری اربعین و شهادت امام حسین علیه السلام، خونی تازه را در رگ‌های شیعیان به جریان می‌اندازد و همگان را به قیام در راه خدا و عدالت‌خواهی و فرهنگ شهادت در این راه دعوت می‌کند. از این رو مسئله اربعین و اقامه عزا برای امام حسین علیه السلام در این روز، جایگاه ویژه‌ای دارد و موجب احیای خاطره غم‌بار عاشورا و تداوم شور عاشورایی در همه اعصار است.

۴. استثنا بودن عاشورا

شاید دلیل این همه تأکید برای عزای امام حسین علیه السلام و برپا نکردن مجلس عزا، در سیره ائمه، برای دیگر امامان و حتی شخص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام، حفظ برجستگی نهضت عاشورا و عادی نشدن آن در کنار دیگر عزاداری‌هاست. به راستی، اگر قرار باشد

برای هر حادثه اندوهناک، و نیز هفتم و چهلم آن مجلس عزا و روضه برگزار شود و دهه‌های عزاداری به مناسبت هر شهادت - حتی شهادت غیر امام - ایجاد گردد، با توجه به تعدد و فراوانی این مناسبت‌ها، آیا استثنایی بودن عاشورا و دهه محرم کم‌رنگ نخواهد شد؟! بنابراین شاید سفارش به برگزاری سالانه مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام در عاشورا و اربعین شهادت آن حضرت، حفظ برجستگی عاشورا باشد تا آثار و برکات مترتب بر آن در جامعه اسلامی و انسانی تداوم یابد..

منابع و مأخذ

۱. ابن نما حلی، محمد (۱۳۶۹ق). *مثیر الأحران*، نجف، مطبعة الحیدریة.
۲. بهایی عاملی، بهاء‌الدین محمد (۱۴۰۶ق). *توضیح المقاصد*، به اهتمام سید محمود مرعشی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
۳. بیرونی، ابوریحان (۱۳۹۰ش). *الآثار الباقیة عن القرون الخالیة*، تهران، انتشارات فردوس.
۴. بیرونی، ابوریحان (بی تا). *الآثار الباقیة عن القرون الخالیة*، بیروت، دار الصادر.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). *شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی*، تحقیق حجت الاسلام سعید بندعلی، چاپ سیزدهم، قم، نشر اسراء.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعة*، چاپ اول، قم، مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.
۷. حسینی طهرانی، محمد حسین (۱۴۲۶ق). *اربعین در فرهنگ شیعه*، چاپ اول، بی جا، عرش اندیشه.
۸. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۲ق). *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، چاپ اول، تصحیح بخش فقه در جامعه پژوهش‌های اسلامی، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیة.
۹. سایت دفتر حضرات آیات: خامنه‌ای، بهجت، مکارم شیرازی، مظاهری.
۱۰. سید ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۴ق). *الملهوف علی قتلی الطفوف*، تهران، دار الأسوة.
۱۱. سید ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۶ش). *الإقبال بالأعمال الحسنة*، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

۱۲. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق). المزار، تصحیح محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، چاپ اول، قم، مدرسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه
۱۳. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق). مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، چاپ اول، بیروت، مؤسسة فقه الشیعة.
۱۴. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
۱۵. خواندمیر، غیاث الدین، (۱۳۸۰ش). تاریخ حبیب السیر، به کوشش محمد دبیرسیاقی، خیام.
۱۶. قاضی طباطبایی، محمدعلی (۱۳۶۸ش). تحقیق درباره اولین اربعین حضرت سیدالشهدا، قم، بنیاد علمی فرهنگ شیخ آیت الله قاضی طباطبایی.
۱۷. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۱۸ق). البلد الامین و الدرع الحصین، چاپ اول، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۸. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۰۵ق). المصباح للكفعمی (جنة الأمان الواقیة)، چاپ دوم، قم، دار الرضی (زاهدی).
۱۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۰. مستوفی هروی، محمد بن احمد (۱۳۷۳ش). ترجمه الفتوح ابن اعثم کوفی، تحقیق غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
۲۱. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق). مسار الشیعة، بیروت، دار المفید.
۲۲. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). کتاب المزار، تصحیح محمدباقر ابطحی، چاپ اول، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.